

واکاوی نظرات کاربران درباره یک حکم قضایی، پس از اعتراضات دی‌ماه؛

«محاربه»: از دادگاه انقلاب تا توئیتر

در بازه زمانی دهم تا سیزدهم بهمن ماه ۱۴۰۴، همزمان با انتشار اخبار مرتبط با روند‌های قضایی پس از اعتراضات دی‌ماه، بحث درباره اتهام «محاربه» به کانونی قابل توجه‌در گفت‌وگوهای فضای مجازی فارسی تبدیل شد. کاربران شبکه اجتماعی توئیتر با انتشار محتوای متنی استفاده از هشتگ‌های خاص و باز نشر گفته‌های منابع مختلف روایت‌های متنوع و چندلایه‌ای از این موضوع ساختند این گزارش، بااستناد به نمونه‌های عینی بر گرفته از توئیتهای پربازدید و مؤثر عمومی، به ترسیم و توصیف مهم‌ترین این روایت‌هایی درازدومی کوشد تنوع صداها و نگرش‌های موجود در این پهنه دیجیتال را منعکس کند.



محمد تقی زاده

تبدیل یک روایت اجتماعی توئیتر با انتشار محتوای متنی استفاده از هشتگ‌های خاص و باز نشر گفته‌های منابع مختلف روایت‌های متنوع و چندلایه‌ای از این موضوع ساختند این گزارش، بااستناد به نمونه‌های عینی بر گرفته از توئیتهای پربازدید و مؤثر عمومی، به ترسیم و توصیف مهم‌ترین این روایت‌هایی درازدومی کوشد تنوع صداها و نگرش‌های موجود در این پهنه دیجیتال را منعکس کند.



روایت نخست: انسانی سازی متهمان؛ فراتر از یک شماره و پرونده

در میان حجم انبوه اخبار، یکی از برجسته‌ترین تم‌ها تلاش برای نشان دادن چهره‌ای انسانی و فردی از کسانی بود که با این اتهام مواجه شده‌اند. کاربران باه اشتراک گذاشتن جزئیاتی از زندگی شخصی، سن، مشاغل و دغدغه‌های متهمان، کوشیدند تصویری ارائه دهند که از توصیف صرف حقوقی یا امنیتی فاصله گیرد.

مصداق عینی این روایت را می توان در اشاره‌های مکرر به شروین باقریان دید. کاربران نه فقط به اتهام، که به صحنه‌های عاطفی اشاره داشتند که در یک برنامه تلویزیونی نمایش داده شد: گفت‌وگوی او با قضایی که در آن می پرسد «محاربه چیه؟» و پس از گاهی از مفهوم، نگرانی در چهره‌اش دیده می‌شود. این صحنه برای بسیاری به نمادی از مواجهه یک نوجوان ۱۸ ساله با سازوکاری پیچیده بدل شد. توئیتهایی با مضوم «این پرسش‌هوز معنی محاربه یعنی دانست» در این دسته قرار می‌گیرند.

نمونه دیگر، امین پور فرزندگ است که در توئیتهای همدان به با عنوان متهم، که با توصیف «دانشجوی داروسازی دانشگاه فردوسی مشهد و نخبه دانشگاه صنعتی شریف» معرفی می‌شد. کاربران با برجسته کردن این پیشینه تحصیلی، بر تناقض میان تصویر یک «نخبه علمی» و «متهم به اتهامی سنگین» تأکید می‌کردند. به‌طور مشابه، در مورد طیبیه سراجی، تمرکز اصلی بر عنوان «مادر یک دختر ۱۰ ساله اهل تایباد» بود. توئیتهای باز کردن جزئیات، می‌کوشیدند داستانی شخصی و خانوادگی را در پس عنوان حقوقی محاربه قرار دهند. در خصوص پدram صفرپور نیز، بر «جوئی اهل کرمان که پدر و مادر خود را از دست داده» تکیه می‌شد و از او با تعبیری مانند «پسر تنها» یا «کسی که مرد مردم حامی دیگری ندارد» یاد می‌شد. این روایت‌ها ظاهراً بی‌ایجاد امکان همدان پنداری عاطفی میان مخاطب عام و فرد متهم بود و می‌کوشید فاصله میان «متهم» (به عنوان یک مفهوم انتزاعی و «سنان» به عنوان یک موجود عینی و دارای زندگی کاهش دهد.

روایت دوم: دغدغه فرآیند قضایی و حقوق دفاع

دسته دیگری از مطالب، مستقیماً بر چگونگی رسیدگی قضایی و موانع پیش روی دفاع از متهمان متمرکز بود. این محتواها که گاه با جاع به گفته‌های فعالان حقوقی همراه می‌شد، در بی‌طرح پرسش درباره رعایت اصول دادرسی عادلانه بود. مصداق بارز این نگاه، باز نشر گسترده سخنان امیر نیسیان، وکیل دادگستری، بود که در گفت‌وگویی به مشکلات و کلاژیاری

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیر نظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کارو کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

شماره ۲/۱۱۴ / شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۴ / ۱۸ شعبان ۱۴۴۷ / ۷ فوریه ۲۰۲۶



تلاشی خود تنظیم گروهانه در فضای مجازی برای حفظ اتکادپذیری و برهیز از افتادن در دام انتشار شایعات بود.

جدول روایت‌های کاربران درباره محاربه

نمونه‌ها و کارکرد	محور اصلی	روایت
اشاره به جوانی «شروین باقریان» یا مادر بودن طیبیه سراجی؛ برای جلب همدلی.	تمرکز بر زندگی شخصی و شرایط متهمان	انسانی‌سازی
بازنشر گفته‌های وکلای درباره «صنعه ۴۸» برای نشان دادن موانع دفاع.	انتقاد از شفافیت و دسترسی به وکیل	نقد دادرسی
تفکیک «اتهام» از «حکم» و پرسش درباره تحقق شرایط قانونی برای آموزش عمومی.	ارجاع به تعریف قانونی محاربه (ماده ۲۷۹)	تحلیل قانونی
لیست کردن اسامی دانشجویان، پزشکان و ورزشکاران فعال قبلت برای نشان دادن شمول گسترده.	نمایش تنوع شغلی و اجتماعی متهمان	گسترده‌گی اتهام
اشاره به مصاحبه تلویزیونی «شروین باقریان» به عنوان «اعتراف اجباری» برای نقد نقش رسانه.	انتقاد از بخش مصاحبه متهمان پیش از حکم	نقد دستگاه قضا و رسانه ملی
تحلیل هدف «رسال پیام رص» به جامعه» برای خواش سیاسی از کارکرد احکام.	تفسیر احکام به عنوان خواش سیاسی از کارکرد احکام.	تحلیل اجتماعی
نقد درباره تأیید نشدن مجرای آموزش توسط خانواده‌ها برای حفظ اعتبار گفتمان.	ایزد بازاردنگی جمعی همدان نسبت به انتشار اطلاعات تأییدشده	تصحیح اخبار

تحلیل نهایی: گفتمانی در کب در فضای دیجیتال

۱. گفت‌وگوهای صورت گرفته در توئیتر فارسی درباره اتهام محاربه، تصویری چندصدایی و لایه‌ای ارائه می‌دهد. این گفتمان در تقاطع روایت عاطفی (با محوریت فرد و زندگی شخصی)، روایت حقوقی (با تأکید بر فرآیند تفسیر قانون) و روایت سیاسی- اجتماعی (باترکز بر کارکرد و تأثیرات کلان) شکل گرفته‌است.

۲. کاربران با ابزارهایی چون هشتگ، لیست‌نویسی، نقل قول از متخصصان، انتشار جزئیات زندگی و تحلیل‌های خودجوش، نه تنها در حال انتشار خبر بودند، که فعالانه در بازتعریف جمعی مفاهیمی مانند «متهم»، «عدالت»، «سالت رسانه» و «حدود آزادی‌های مدنی» مشارکت داشتند.

۳. این فضا نشان می‌دهد که چگونه یک موضوع قضایی می‌تواند به کاتالیزوری برای گفت‌وگوی عمومی گسترده‌تر درباره مبانی حقوق شهروندی، شفافیت نهادی و رابطه فرد با ساختارهای حاکمیتی تبدیل شود. بررسی این روایت‌ها، فراغ از صحت یا سقم محتوای هر یک، کوشش‌های را دغدغه‌ها، برش‌ها و شیوه‌ها معنا سازی در فضای عمومی دیجیتال ایران را نمایان می‌سازد.

گزارش‌های غیر رسمی و شنیده‌ها از ادوی

مدیریتی استقلال حاکی از آن است که در لحظه گل تساوی شمس آذر، ترحر کات‌عجیبی در میان مدیران رخ داده است. گفته می‌شود قرار شد متنی تدوین شده کادرفنی آماده شود و سفارش آن هم داده شد. مدیرانی که هفته‌ها زیر تیغ انتقادات سایپنتو که تساوی خانگی مقابل تیمی مثل شمس آذر (آن هم بعد از برد دو بر صفر) را بهترین پنهان‌ه برای یک حمله تمام‌عیاری دانستند.

تاجر نیاکا که اغلب همراه با موجی از احساسات یا انتقادات تند بود، صدای محتاط‌تری نیز شنیده‌می‌شد که بر دقت در انتشار اخبار و برهیز از تعمیم‌های شتاب‌زده تأکید داشت. این روایت که عموماً توسط کاربران با دغدغه اعتبار فضای اطلاع‌رسانی معتزضین بیان می‌شد، هشدار می‌داد که انتشار اطلاعات تأیید نشده می‌تواند به بی‌اعتباری کل گفتمان بینجامد.

برای نمونه، توئیتهایی وجود داشت که ادعای صدور «حکم قطعی محاربه» برای پدram صفرپور را د و اشاره می‌کرد که خانواده او هنوز چنین مطلبی را تأیید نکرده‌اند. مثال دیگر، توضیحاتی بود که یادآوری می‌کرد اعلام «اتهام» محاربه از سوی مقامات قضایی به معنای «صدور حکم اعدام» نیست و این دو مرحله باید از هم تفکیک شوند. این نگرش، نمایانگر

رابطه ریکار دو سایپنتو با تاجرنیابه نقطه‌ای غیر قابل بازگشت رسیده است. سایپنتو معتقد است که بخشی از مشکلات تیم، ناشی از کارشکنی‌ها یا عدم حمایت کافی از سوی این بخش از مدیران است.

لیج و لجزای میان این دونفر، دیگر از بردها بیرون افتاده سایپنتو که حالا باید هفته‌بسیستم دست بالا را دارد، شاید انتظار داشته باشد که این پیروزی منجر به حذف مخالفتش شود. شنیده می‌شود که او در محافل خصوصی گفته است که بهترین اتفاق برای استقلال، جدایی تاجر نیاست تا آرامش به تیم برگردد. اما با این برد آنقدر قدرت دارد که ساختار مدیریتی را تغییر دهد؛ یا فقط یک مسکن موقت برای دردی مزمن است؟

امادر حالی که هواداران هنوز مشغول جشن گرفتن برد دراماتیک مقابل شمس آذر هستند، خبری نگران‌کننده در فضای مجازی و محافل خبری دست‌به‌دست می‌شود که طعم شیرین یکشنبه حکم مدیر عملی می‌گیرد. این خبر برای بخش بزرگی از بدنه هواداری استقلال، تداعی‌کننده خاطرات خوبی نیست. حافظه تاریخی هواداران استقلال هنوز پاک نشده است. آنها دورانی را به یاد می‌آورند که جوئیاری مدیریت استقلال را بر عهده داشت.

نام جوئیاری با پرونده‌های عجیبی گره خورده است. هواداران هنوز ماجرای قرارداد با عیسی آل‌کثیر را فراموش نکرده‌اند؛ قراردادای

تیمش را هدایت می‌کرد و به نظر می‌رسید که استقلال در حال ثبت یک کاپیت‌نشیت روحیه‌بخش و یک برد آسان است. فراموش نکنیم که شمس آذر در همان دقایق ابتدایی اخراجی داده بود و تیم دست‌وپا بسته‌ای به حساب می‌آمد.

امافوتبال بی‌رحم است. درست در لحظاتی که هواداران آماده سوت پایان بودند و مدیران باشگاه شاید در ذهن‌شان سناریوی جدیدی می‌چیدند، ورق برگشت. شمس آذر که چیزی برای دست‌دادن نداشت، انتحاری حمله کرد.

گل اول آنها زنگ خطری بود که جدی گرفته نشد. استقلال عقب کشید، ترسید و این ترس، بوی خون را به مشام حریف رساند.

فاجعه در وقت‌های اضافه تکمیل شد. گل تساوی شمس آذر در دقایق تلف شده، استقلال را در ریخت فروریبرد. نتیجه دو-دو

برای سایپنتو حکم مرگ را داشت. دوربین‌های تلویزیونی چهره او را نشان می‌دادند که ناباورانه به زمین خیره شده بود. در آن لحظات، فقط دو امتیاز از دست‌نداده بود؛ او داشت شغلش را از دست می‌داد.

سایپنتو با هم در لحظه آخر از خطر اخراج گریخت

قصه تکراری



آرژانتاری

فوتبال گاهی اوقات شبیه به یک فیلم‌نامه از پیش نوشته شده عمل می‌کند. فیلم‌نامه‌ای که نویسندش علاقه عجیبی به ژانر تریلر دارد و تا آخرین ثانیه، نقش اول داستانش را در برزخ نگه می‌دارد. ریکار دو سایپنتو، مرد پر تعالی نیمکت استقلال، حالا دیگر به این ژانر عادت کرده است. او که هفته نوزدهم را با باختی تلخ و ناامیدکننده مقابل بیگان پشت سر گذاشته بود، در هفته بیستم بار دیگر ثابت کرد که استاد زنده‌ماندن در بزنگاه‌ها است. اما این بار، داستان پیروزی او و تیمش مقابل شمس آذر قزوین، فراتر از یک برد سه امتیازی ساده بود؛ این یک فرار بزرگ از یک کمین‌گاهی بود که مدیران باشگاه برایش تدارک دیده بودند.

برای درک اهمیت آنچه در بازی با شمس آذر رخ داد، باید چند روز به عقب برگردیم. شکست مقابل بیگان در هفته نوزدهم، فقط از دست دادن سه امتیاز نبود؛ بلکه فروریختن دیوار اعتماد هواداران و البته فرصتی طلایی برای منتقدان داخلی باشگاه بود. استقلال که امید

وضعیت این روزهای استقلال، پارادوکس عجیبی است. تیمی که در زمین مسابقه، با درخشش ستاره‌های مثل نازون، نتبچه را برمی‌گرداند و برای قهرمانی می‌جنگد، اما در بیرون زمین درگیر جنگ‌های فرسایشی مدیریتی است. برد سه بر دو مقابل شمس آذر، موقتا سایپنتو را بیمه کرد. او نشان داد که تیمش حتی وقتی از لحاظ روانی فرو می‌پاشد، قدرت بازگشت دارد. اما واقعیت این است که این مدل پیروزی‌ها (بردن در ثانیه آخر با چاشنی شناس و درخشش فردی)، تضمین‌کننده موفقیت درازمدت نیست.

از طرفی، تغییرات مدیریتی احتمالی در روز یکشنبه، سایه سنگینی بر آینده تیم انداخته است. اگر نظری جوئیاری با آن کارنامه بحث‌برانگیز برگردد، احتمالاً شاهد فصل جدیدی از تنش‌ها خواهیم بود. سایپنتو فعلاً برنده است، اما در استقلال، فاصله بین قهرمانی بودن و اخراج شدن، گاهی فقط به اندازه یک سوت‌داور یا حکم مدیریتی است.

هوادار استقلال خوشحال است چون تیمش نیاخت، اما نگران است چون می‌داند که دوشنبه صبح، ممکن است با مدیری رویه‌رو شود که خاطرات تلخ گذشته را زنده می‌کند.

فعلاً ما باید با احترام نازون کلاه‌سر برداشت؛ کسی که اجازت‌ندادن ترازدی هفته بیستم تکمیل شود و سایپنتو را در بازی نگه‌داشته بازی ادامه دارد هم در مستطیل سبز و هم در طبقه پنجم ساختمان باشگاه.